

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

تبیین مباحث مورد مناقشه پیرامون تعابیر وارده در روایات حد شرعی مسافت، ضمن سه مرحله؛

ترتیب بحث به این نحو است که:

مرحله اول:

ما ابتدا روشن کردیم که این چهار عنوان یعنی «ثمانية فراسخ، بریدان، اربعة و عشرون ميلاً و مسيرة يوم» یک معنا دارد و اینها چهار عنوان و چهار ملاک نیستند، بلکه همه‌شان به یک معنای واحد برمی‌گردند؛

مرحله دوم:

در مرتبه‌ی بعد تکلیف این سه دسته از روایات یعنی «يومٌ و ليلةٌ، ثلاثة بُردٌ»، و «مسيرة يومٍ و ليلةٌ» را هم روشن کردیم.

مرحله سوم:

اینکه باید تکلیفان را نسبت به دو دسته دیگر از روایات را روشن کنیم که عبارتند از:

دسته‌ی اول:

روایات دال بر قصر نماز در چهار فرسخ؛

روایاتی که ظهور در این دارد که اگر انسان چهار فرسخ رفت، همین چهار فرسخ موجب برای قصر است، ظهور در این دارد که می‌خواهد برگردد یا برنگردد! همین که چهار فرسخ رفت «اربعة فراسخ موجبة للقصر».

آن وقت محل نزاع در این روایات این است که ظاهر این روایاتی که دلالت بر اربعة فراسخ دارد با آن روایاتی که دلالت بر ثمانية فراسخ داشت تعارض پیدا می‌کند، روایاتی که دلالت دارد بر اینکه کمتر از هشت فرسخ، نماز قصر نمی‌شود، با این روایاتی که می‌گوید اگر چهار فرسخ رفت نمازش قصر می‌شود چگونه جمع شود؟

روایات دال بر قصر نماز در چهار فرسخ ذهابی و چهار فرسخ ایابی؛
روایات دیگری داریم که از آن تعبیر به روایات تلفیق می‌شود، روایاتی که می‌گویند چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد، از این تعبیر به تلفیق می‌شود.

که این روایات تلفیق را شاهد قرار می‌دهیم برای اینکه مراد از آن روایات اربعة فراسخ هم صورت تلفیق است نه همین که فقط چهار فرسخ رفت ولو قصد برگشت هم نداشته باشد، بگوئیم این موجب برای قصر باشد.

پس ما غیر از آن روایات ثمانية فراسخ، یک روایات اربعة فراسخ داریم و یک روایات تلفیق داریم یعنی چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد، این دو دسته روایات را باید بخوانیم.

تبیین فتوای فقها از مجموع سه دسته روایات؛

آن وقت فقها مجموع این سه دسته روایات را وقتی می‌خواهند فتوا بدهند می‌فرمایند مسافت شرعی هشت فرسخ است امتدادیّه یعنی هشت فرسخ ممتد برود یا هشت فرسخ ممتد برگردد، ذهاباً أو إياباً، هشت فرسخ برود از وطنش دور شود یا همین طور در یک جایی قرار گرفته از آنجا می‌خواهد به وطنش بیاید هشت فرسخ است. بعد می‌گویند ملفقه اگر این هشت فرسخ به صورت تلفیقی باشد یعنی چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد، این هم مانعی ندارد.

تبیین دو نزاع در مسافت تلفیقی؛

منتها در همین مسافت تلفیقی دو اختلاف و نزاع وجود دارد، که عبارتند از:

نزاع اول:

مسافت تلفیقی مشروط صحیح است یا مسافت تلفیقی مطلق؟

نزاع اول این است که آیا مسافت تلفیقی مشروط، صحیح است؛ یعنی آیا در ذهاب، کمتر از چهار فرسخ هم می‌شود باشد؟ بدین معنا که آیا وقتی ما می‌گوئیم مسافت تلفیقی مطلقاً از شهر خودش یک فرسخ به جایی برود، از آنجا وقتی می‌خواهد برگردد از راه دیگری برگردد که آن راه هفت فرسخ است، آیا در ذهاب در مسافت تلفیقی اگر کمتر از چهار فرسخ باشد اشکالی دارد؟ و هکذا در ایاب، آیا ایاب هم باید کمتر از چهار فرسخ نباشد؟ که در نتیجه اگر گفتیم ذهاب باید چهار فرسخ باشد، ایاب هم باید چهار فرسخ باشد، نتیجه این می‌شود مسافت تلفیقی منحصر می‌شود به همین صورت که چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد.

و یا مسافت تلفیقی مطلق، صحیح است؛ یعنی شرط نیست که ذهاب یا ایاب کمتر از چهار فرسخ باشد، بلکه می‌تواند دو فرسخ برود و شش فرسخ بیاید، سه فرسخ برود و پنج فرسخ بیاید، یا پنج فرسخ برود و سه فرسخ بیاید! انواع و اقسام تلفیق مانعی ندارد، این یک نزاع است که ما بعد از اینکه این روایات تلفیق را خواندیم باید این نزاع را مطرح کنیم.

نزاع دوم:

آیا رجوع من یومه شرط است یا خیر؟

در همین مسافت تلفیقیّه است که آیا در این مسافت رجوع من یومه شرط است یا نه؟ در مسافت امتدادیّه احدی از فقها شرط

نکرده، اگر کسی از وطنش هشت فرسخ رفت، حالا می‌خواهد شب را آنجا بماند، دو شب می‌خواهد بماند یا چهار شب مانعی ندارد! احدی از فقها نگفته اینجا نماز قصر نیست.

اما در مسافت تلفیقیه که می‌خواهد چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد نزاع واقع شده بر اینکه آیا رجوع من یومه شرط است؟ چنانچه بسیاری از فقها رجوع من یومه را شرط کردند و گفتند اگر همان روز می‌خواهد برگردد نمازش قصر است اما اگر چهار فرسخ رفته و شب می‌خواهد بماند و فردا برگردد، بعضی فتوا به وجوب اتمام دادند و بعضی فتوا به تخییر دادند و بعضی بین نماز و روزه تفصیل دادند و گفتند اگر رجوع من یومه ندارد اینجا بین نماز و روزه باید تفصیل داد، اقوال متعددی وجود دارد.

یا آیا رجوع من یومه شرط نیست؛ که باید بررسی شود.

بررسی دو دسته از روایات مرحله سوم و اشکال بر صاحب وسائل(ره)؛

پس ما الآن باید روایات اربعه را بخوانیم، روایات تلفیق را هم بخوانیم. روایات را که خواندیم بعد از آن این دو نزاع را باید مطرح کنیم. البته مرحوم صاحب وسائل(ره) این روایات را جدا نکرده، یعنی در همین کتاب وسائل جلد هشتم کتاب الصلاة در ابواب صلاة المسافرين در باب دوم، هم روایاتی که فقط دارد چهار فرسخ برود، دیگر هیچ حرف دیگری ندارد و هم روایات تلفیق را با هم آورده و این شاید یکی از اشکالاتی باشد که بر صاحب وسائل(ره) وارد است، یعنی باید اینجا این دو تا عنوان را جدا کنیم و بگوئیم یک روایات ثمانیه داریم که گذشت، غیر از آن، دو دسته دیگر داریم، که عبارتند از:

دسته اول:

روایاتی که اصلاً در آن بحث تلفیق مطرح نیست و می‌گویند اگر کسی چهار فرسخ رفت نمازش قصر است.

دسته دوم:

روایاتی است که دلالت بر تلفیق دارد.

بنابراین، به نظر می‌رسد که به حسب صناعت اجتهادی، باید صاحب وسائل(ره) این دو دسته را در اینجا از یکدیگر جدا می‌کرد، اما جدا نفرموده و همه را در یک قالب آورده است! مثلاً در جایی که رجوع من یومه ندارد، صاحب جواهر(ره) به مشهور هم نسبت تخییر می‌دهد، یعنی در جایی که کسی چهار فرسخ رفته و می‌خواهد شب بماند و فردا برگردد در اینجا صاحب جواهر(ره) به مشهور نسبت می‌دهد که مشهور قائل به تخییرند، یعنی مخیر بین القصر و الاتمام است، اما برخی هم فتوا می‌دهند به وجوب قصر و جماعتی هم قائل به وجوب اتمام هستند. پس خود این بحث خیلی مهم است که ترتیب بحث چطور باید پیش برود. از این رو، ما ابتدا باید روایات اربعه را بخوانیم تا ببینیم دلالت و سندش چطور است، بعد از آن روایات تلفیق را بخوانیم تا ببینیم دلالت و سندشان چطور است تا در نهایت راه جمع بین آنها را بررسی کنیم.

به هر حال صاحب وسائل(ره) در باب دوم کتاب «وسائل الشیعة» می‌فرماید: «بَابُ وَجُوبِ الْقَصْرِ عَلَى مَنْ قَصَدَ ثَمَانِيَةَ فَرَاسِخٍ أَرْبَعَةً ذَهَاباً وَ أَرْبَعَةً إِيَاباً»، این فتوای صاحب وسائل(ره) است، «مطلقاً»؛ یعنی چه در آن روز برگردد و چه در آن روز برنگردد، «مطلقاً» در مقابل عنوانی است که در باب سوم است که «بَابُ عَدَمِ اشْتِرَاطِ الْعَوْدِ فِي يَوْمِهِ أَوْ لَيْلَتِهِ فِي وَجُوبِ الْقَصْرِ عَيْنًا عَلَى مَنْ قَصَدَ أَرْبَعَةَ فَرَاسِخٍ ذَهَاباً وَ مِثْلَهَا إِيَاباً» که در مقابل آن است. بعد هم در ادامه می‌گوید: «لَا أَقْلَ مِنْ ذَلِكَ»، یعنی نه در نهایش باید کمتر از چهار فرسخ باشد و نه در ایابش، که اشاره به همان نزاع اولی است که عرض کردیم که بعضی از بزرگان هم همین

نظر را دارند، امام خمینی(ره) هم که در مورد ذهابش می‌فرماید کمتر از چهار فرسخ نباید باشد، ولی بعضی مثل مرحوم آقای خوئی(ره) می‌فرمایند هر دوی ذهاب و ایاب یعنی در مسافت تلفیقی نباید کمتر باشد.

بررسی حدیث اول:

صحیحه زراره از امام باقر(ع) دال بر چهار فرسخ؛

الف. بررسی سند روایت؛

«محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد [اهوازی] عن ابن ابی عمیر عن جميل بن دراج عن زرارة»، روایت صحیحه است «عن أبي جعفر عليه السلام قال»،

ب. بررسی دلالت روایت؛

امام باقر(ع) بر حسب این روایت فرمود «التقصير في بريد و البريد أربعة فراسخ» تقصیر در بريد واحد است، برخلاف روایت سماعه که گفت بريدان، ما باشیم و این روایت یعنی اگر کسی چهار فرسخ رفت، «مطلقاً»، چه بخواهد برگردد! حالا اگر کسی چهار فرسخ رفت و قصد برگشت نداشت اما می‌داند به زور او را به شهر برمی‌گردانند، باز اینجا قصر می‌کند، چون بعداً که مسافت تلفیقی را می‌گوئیم، می‌گوئیم چهار فرسخ برود و خودش هم قصد برگشت داشته باشد چهار فرسخ، این روایت یعنی همان که به مرحوم کلینی(ره) هم نسبت داده شده. به کلینی(ره) نسبت داده شده که اگر چهار فرسخ رفت «مطلقاً سواء رجع في يومه، أم لم يرجع في يومه»، این مطلقاً نمازش قصر است.

بررسی حدیث دوم:

روایت معاوية بن وهب بجلی از امام صادق(ع) دال بر تلفیق؛

الف. بررسی سند روایت؛

«و عنه»، یعنی محمد بن الحسن باسناده «عن الحسين بن سعيد» یعنی همان اسناد اول می‌آید «عن فضالة [بن ايوب]»، ثقة‌ی امامی است «عن معاوية بن وهب [بجلی]» که ثقة امامی است.

ب. بررسی دلالت روایت؛

«قال قلت لأبي عبدالله عليه السلام ادنى ما يقصر فيه المسافر الصلاة؟»، کمترین مقداری که مسافر نمازش را قصر می‌کند چقدر است؟ «قال بريد ذهاباً و بريد جائياً» این از روایات تلفیقی است.

بررسی حدیث سوم:

روایت زید الشحام از امام صادق(ع) دال بر چهار فرسخ؛

الف. بررسی سند روایت؛

باز «و عنه»، یعنی محمد بن الحسن «باسناده عن الحسين بن سعيد عن فضالة عن حماد» که حماد بن عثمان از اصحاب

اجماع است «عن ابی اسامه زید الشحام» که ثقه‌ی امامی است.

ب. بررسی دلالت روایت؛

«قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول يقصر الرجل الصلاة في مسيرة اثني عشر ميلا»، نماز را در اثني عشر ميل يعنى برید واحد، چون هر بریدی دوازده ميل است، بدین بیان که هر بریدی چهار فرسخ است، هر فرسخی سه ميل است لذا هر بریدی می‌شود 12 ميل.

البته صاحب وسائل(ره) بعد می‌فرماید «باسناد عن سعد»، اینها را در روایات دقت کنید برای اینکه روایات را از جهت سند می‌خواهید محکمتر کنید، صاحب وسائل(ره) می‌گوید همین سه تا روایت را شیخ طوسی(ره) به سند خودش از «حسین بن سعید اهوازی» دارد، باز از یک طریق دیگر هم دارد، به سند خودش از سعد هم دارد، مراد سعد بن عبدالله القمی است «عن احمد بن محمد عن الحسين بن سعيد و ذكر الاحاديث الثلاثة».

بررسی حدیث چهارم؛

صدر روایت سلیمان بن حفص از امام رضا(ع) دال بر چهار فرسخ و تلفیق؛

الف. بررسی سند روایت؛

«و یاسناده عن الصفار» یعنی محمد بن الحسن عن الصفار «عن محمد بن عیسی [بن عبید] عن سلیمان بن حفص المروزی» راجع به محمد بن عیسی بن عبید ما در بحث اصولمان به مناسبت بعضی روایات بحث کردیم مراجعه کنید، سلیمان بن حفص المروزی وثاقتش روشن نیست! امامی هست ولی خیلی به احادیثش اعتماد نمی‌کنند.

ب. بررسی دلالت روایت؛

«قال قال الفقيه(ع)» این فقیه، بعضی‌ها به قرینه‌ی سلیمان بن حفص المروزی گفتند امام هشتم(ع) است. «التَّقْصِيرُ فِي الصَّلَاةِ بِرِدَانٍ أَوْ بِرَيْدٍ ذَاهِبًا وَ جَائِيًا وَ الْبَرِيدُ سِتَّةُ أَمْيَالٍ وَ هُوَ فَرْسَخَانِ وَ التَّقْصِيرُ فِي أَرْبَعَةِ فَرَاسِخٍ فَإِذَا خَرَجَ الرَّجُلُ مِنْ مَنْزِلِهِ بِرَيْدٍ اثْنَيْ عَشَرَ مِيلًا وَ ذَلِكَ أَرْبَعَةُ فَرَاسِخٍ ثُمَّ بَلَغَ فَرْسَخَيْنِ وَ نَبَتْهُ الرُّجُوعُ أَوْ فَرْسَخَيْنِ آخَرَيْنِ قَصَرَ وَ إِنْ رَجَعَ عَمَّا نَوَى عِنْدَ بُلُوغِ فَرْسَخَيْنِ وَ أَرَادَ الْمَقَامَ فَعَلَيْهِ التَّمَامُ»، اگر بخواید اقامت کند باید تمام بخواند «وَ إِنْ كَانَ قَصَرَ ثُمَّ رَجَعَ عَنْ نَبْتِهِ أَعَادَ الصَّلَاةَ».

حالا صدر این روایت، محل بحث ماست و از ذیلش استفاده‌های دیگری می‌شود که صاحب وسائل(ره) هم در ذیل، این روایت را بیان می‌کند. امام رضا(ع) در صدر روایت می‌فرماید: تقصیر دو برید باید باشد، یا یک برید ذاهباً و جائیاً، بعد برید را معنا می‌کند به شش میل، صاحب وسائل(ره) در توضیح این مطلب می‌گوید چند احتمال در اینجا پیرامون «وَ تَفْسِيرُ الْبَرِيدِ سِتَّةَ أَمْيَالٍ وَ بِفَرْسَخَيْنِ» وجود دارد که عبارتند از:

احتمال اول:

«و لعلّ فيه غلطاً من النسخ» این شاید مراد نصف البرید بود، چون برید دوازده ميل است نه شش ميل! «وَ أَصْلُهُ وَ نِصْفُ

الْبَرِيدِ سِتَّةُ أَمْيَالٍ وَ هُوَ فَرَسَخَانِ».

احتمال دوم:

اینکه بگوئیم مراد از میل و فرسخ در اینجا یک اصطلاح خراسانی است، «أَوْ لَعَلَّ الْمُرَادَ بِالْمِيلِ وَالْفَرَسَخِ اصطلاح الآخر فی الفرسخ كالخراسانی فهو ضعف الشرعی»، فرسخ خراسانی دو برابر فرسخ شرعی است، یعنی دو فرسخ خراسانی ها چهار فرسخ ماست، بعد هم قرینه اش این است که راوی مروزی و خراسانی است، «لأن الراوی خراسانی».

احتمال سوم:

اینکه اصلاً روایت تا آن «أو بريدٌ ذاهباً و جائياً» تمام می شود، از «و البرید ستة أميال» دیگر توضیحی است که راوی داده، «بَلْ لَعَلَّ قَوْلَهُ وَ الْبَرِيدُ إِلَى آخِرِهِ مِنْ كَلَامِ الرَّاوي» این دیگر از کلام امام معصوم (ع) نیست، این هم یک روایت.

بررسی حدیث پنجم:

روایت اسماعیل بن فضل از امام صادق (ع) دال بر چهار فرسخ؛

الف. بررسی سند روایت؛

بعد می فرماید «و بإسناده» یعنی شیخ طوسی (ره) «عن سعد» که سعد بن عبدالله قمی است، «عن محمد بن حسین بن ابی الخطاب» ثقه ای امامی است، «عن جعفر بن بشیر» که ثقه امامی است، «عن حماد بن عثمان» که از اصحاب اجماع است، «عن محمد بن نعمان عن اسماعيل بن الفضل» همه ای اینها افراد معتبری هستند،

ب. بررسی دلالت روایت؛

«قال سألت ابا عبدالله (ع) عن التقصير فقال في أربعة فراسخ»، ما باشیم و این روایت؛ اسماعیل بن فضل می گوید از امام صادق (ع) سؤال کردم مقداری که نماز قصر می شود چقدر است؟ فرموده ثمانیه فراسخ، بلکه فرموده «في أربعة فراسخ»، این هم صریح همان روایت اول است.

بررسی حدیث ششم:

روایت ابی الجارود از امام باقر (ع) دال بر چهار فرسخ؛

الف. بررسی سند روایت؛

«و عنه» یعنی [باسناده عن سعد] «عن محمد بن حسین» [بن ابی الخطاب] ثقه «عن معاوية بن حُكيم عن ابی مالک الحضرمی» که ثقه است «عن أبی الجارود» زیاد بن منذر ابی الجارود وثاقتش روشن نیست

«قال قلت لأبي جعفر (ع) في كم التقصير؟ فقال في برید»، در روایت قبلی داشت «فی أربعة فراسخ» ولی اینجا دارد «فی برید».

صاحب وسائل (ره) همین جا تکلیف را روشن می‌کند و می‌گوید: «أقول هذا و امثاله مبني على الغالب من أن المُسَافِرَ يُرِيدُ الرُّجُوعَ إِلَى مَنْزِلِهِ لِمَا عَرَفْتَ مِنَ التَّصْرِيحَاتِ السَّابِقَةِ وَ الْآتِيَةِ»، این روایاتی که می‌گوید اربعة فراسخ یا برید، این مبتنی بر غالب است که غالباً کسی که چهار فرسخ می‌رود همان چهار فرسخ هم برمی‌گردد.

بررسی حدیث هفتم:

صحيحه عبدالله بن بكير از امام صادق (ع) دال بر چهار فرسخ؛

الف. بررسی سند روایت؛

«و باسناده» یعنی شیخ طوسی «عن احمد بن محمد عن محمد بن ابی عمير عن عبدالله بن بكير قال» روایت صحیحه است.

ب. بررسی دلالت روایت؛

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْقَادِسِيَّةِ أَخْرَجُ إِلَيْهَا أَتُمُ الصَّلَاةَ أَمْ أَقْصِرُ» شخصی می‌گوید من از کوفه تا قادسیه می‌روم، «أُخْرِجُ إِلَيْهَا» این شخص در کوفه بوده آیا وقتی به قادسیه می‌روم نمازم را تمام بخوانم یا قصر؟ «قال و كم هي؟» امام (ع) فرمود مسافتش چقدر است؟ «قلت هي التي رأيت»، شما می‌دانید. «قال قصر»، امام (ع) فرمود نماز را قصر کن، بعد فاصله‌ی بین کوفه و قادسیه چقدر است؟ چهار فرسخ است.

صاحب وسائل (ره) در ادامه می‌گوید: «أَقُولُ الْمُرَادُ أَخْرَجَ إِلَيْهَا مِنَ الْكُوفَةِ وَ قَدْ أَوْرَدَهُ الشَّيْخُ فِي جُمْلَةِ أَحَادِيثِ الْأَرْبَعَةِ فَرَسَخَ»، شیخ طوسی (ره) در کتاب تهذیب و الاستبصار وقتی خواسته این روایت را بیاورد در ضمن روایات چهار فرسخ آورده.

بررسی حدیث هشتم:

مرسلة صفوان بن يحيى از امام رضا (ع) دال بر تلفیق؛

الف. بررسی سند روایت؛

«و باسناده عن الصفار عن ابراهيم بن هاشم عن رجلٍ عن صفوان»

ب. بررسی دلالت روایت؛

«عَنِ الرَّضَا (ع) فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ رَجُلٍ خَرَجَ مِنْ بَغْدَادَ فَبَلَغَ النَّهْرَوَانَ»، کسی از بغداد خارج شد به نهروان رسید «وَ هِيَ أَرْبَعَةُ فَرَسَخٍ مِنْ بَغْدَادَ»، نهروان تا بغداد چهار فرسخ است، نمازش را چکار کند؟ «قال لو أنه خرج من منزله يُرِيدُ النَّهْرَوَانَ ذَاهِباً وَ جَائِئاً لَكَانَ عَلَيْهِ أَنْ يَنْوِيَ مِنَ اللَّيْلِ سَفَرًا وَ الْإِفْطَارَ فَإِنَّهُ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَنْوِ السَّفَرَ فَبَدَأَ لَهُ بَعْدَ أَنْ أَصْبَحَ فِي السَّفَرِ قَصْرًا وَ لَمْ يُفْطِرْ يَوْمَهُ ذَلِكَ»،

البته این روایت را بعداً می‌خوانیم فعلاً بحثمان این است که مقدار مسافت چقدر است؟ آن وقت گفتیم شروط قصر را بعضی فقها گفتند پنج است، برخی گفتند شش تاست، بعضی مثل امام خمینی(ره) و صاحب کتاب «عروة الوثقی» گفتند هشت تاست، یکیشان را می‌گویند مسافت است و دومی را گفته قصد این مسافت است. اینجا در روایت اولاً مسافت روشن است چون سائل می‌گوید چهار فرسخ هست، امام رضا(ع) هم می‌فرماید «قَالَ لَوْ أَنَّهُ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يُرِيدُ النَّهْرَوَانَ ذَاهِباً وَ جَائِئاً لَكَانَ عَلَيْهِ أَنْ يَنْوِيَ مِنَ اللَّيْلِ سَفَرًا وَ الْإِفْطَارَ»، باید قبلاً نیتش را داشته باشد.

صاحب وسائل(ره) در ادامه می‌گوید: «أَقُولُ فِي هَذَا وَ أَمْثَالِهِ دَلَالَةٌ عَلَى أَنَّ الْمُعْتَبَرَ هُنَا هُوَ قَصْدُ الذَّهَابِ وَ الْإِيَابِ».

بررسی حدیث نهم:

روایت محمد بن مسلم از امام باقر(ع) دال بر چهار فرسخ و تلفیق؛

الف. بررسی سند روایت:

«و بإسناده» یعنی شیخ طوسی(ره) «عن علی بن الحسن بن فضال عن احمد بن الحسن» یعنی احمد بن حسن بن فضال «عن أبيه عن علی بن الحسن بن رباط عن العلاء عن محمد بن مسلم»

ب. بررسی

«عن أبي جعفر(ع) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ التَّقْصِيرِ قَالَ فِي بَرِيدٍ قَالَ قُلْتُ بَرِيدٌ؟» راوی تعجب کرده و به امام(ع) عرض کرده یک برید؟ «قَالَ إِنَّهُ إِذَا ذَهَبَ بَرِيداً وَ رَجَعَ بَرِيداً فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ». امام باقر(ع) می‌فرماید: اگر یک برید برود و یک برید برگردد، یومش را اشغال کرده. شاهد این است که در این روایت هم کلمه‌ی برید دارد، یعنی هم امام(ع) خودش برید را فرموده و هم مسئله‌ی ذاهباً و جائئاً تلفیق در آن آمده است.

نکته‌ای که درباره این روایت هست این است که کلمه‌ی «فقد شغل يومه» آیا امام(ع) اینجا می‌خواهد به عنوان تعلیل به آن تمسک کند؟ می‌فرماید ما که می‌گوئیم تلفیق کافی است چون با تلفیق یک روز مشغول می‌شود، بعد می‌گوئیم پس لعل از روایت استفاده شود که ملاک اصلی شغل الیوم است، شغل الیوم یعنی اینکه آدم همین مسیره یوم که ما بحثش را قبلاً مفصل گفتیم، ما وقتی روایات ثمانیه و مسیره یوم را خواندیم، به وضوح برای ما روشن شد که اصلاً مسیره یوم دخالتی ندارد، آنچه که ملاک است ثمانیه فراسخ است و آنجا حالا یا در درس گفتیم یا بعد از آن، برخی از بزرگان گاهی اوقات که یک ساعت از قم به تهران می‌رفتند احتیاط می‌کردند و جمع می‌خواندند، به ایشان می‌گفتیم چرا؟ می‌گفتند مسیره یوم نشده! به نظر ما اصلاً مجالی برای لزوم احتیاط نیست، ملاک را به وضوح برده روی ثمانیه فراسخ. روایتی که مسیره یوم را معنا می‌کند و تفسیر می‌کند به ثمانیه فراسخ به این معناست که شارع می‌گوید من ضابطه را فقط ثمانیه فراسخ قرار دادم،

بنابراین اگر ما آن روایات را نداشتیم ما بودیم و همین روایت «فقد شغل يومه» ظهور در این داشت که اشتغال یک یوم معتبر است، اما با قرینه آن مطالبی که در آن روایات گفتیم به قرینه‌ی آن باید در همین «فقد شغل يومه» هم تصرف کنیم و این همان حکمتی است که ائمه(ع) گاهی اوقات در مسئله نماز قصر به عنوان حکمت، به آن اشاره فرمودند. غالباً هم اگر کسی هشت فرسخ برود یک روزش مشغول می‌شود، اگر چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد یک روزش مشغول می‌شود، اینطور نیست که بگوئیم از روایت استفاده می‌شود «شغل يومه» یعنی علت تامه برای قصر، باید اشتغال یوم باشد.

و صلى الله على محمد و آله الطاهرين